

# مدارس نوین کرمانشاه در عصر مشروطیت

(۱۲۸۰-۱۲۹۳ ش)

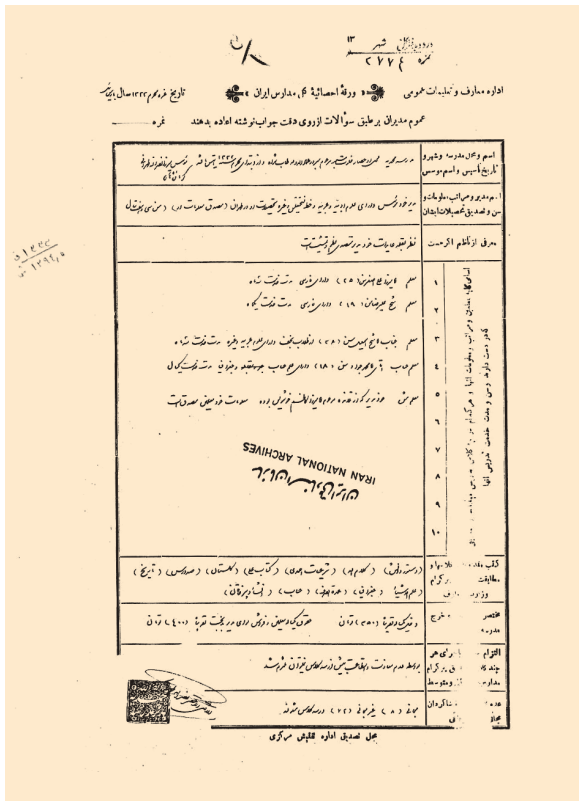
● محمدعلی علوی کیا

## اشاره

با تأسیس نخستین مدارس به سبک نوین در عصر مظفّری، با الگوگرفتن از دارالفنون، جنبش تجددخواهی و نوسازی فرهنگی در کرمانشاه نیز آغاز شد. روشنفکران محلی و پیشگامان نهضت مشروطیت در کرمانشاه همراه با کوشش‌های سیاسی، نگاهی به گستره فرهنگ و معارف نوین نیز داشتند و کوشیدند نهادهای فرهنگی جدید را مستقر سازند. تشکیل مدارس نوین، انتشار روزنامه، تشکیل قرائت‌خانه و برپایی تئاتر، از عمده تلاش‌های آنان بود. نوشته حاضر با تکیه بر اسناد و مدارک موجود و قدیمی‌ترین گزارش‌های مربوط به معارف کرمانشاه، چگونگی تأسیس مدارس جدید کرمانشاه در عصر مشروطه را مورد بررسی قرار داده و کوشیده موانع اجتماعی و فرهنگی در توسعه و رشد مدارس جدید را نشان دهد.

با پیدایش نخستین کانون‌های روشنفکری، اندیشه قانون‌خواهی در کرمانشاه رواج یافت و گروهی از تحصیل‌کردگان محلی، در اندیشه تأسیس مدارس جدید برآمدند. کرمانشاه با توجه به موقعیت خاص جغرافیایی، ارتباط تجاری با بین‌النهرین و شرکت‌های روس و انگلیس، استعداد آن را داشت که پذیرای نهادها و مؤسسات جدید تمدنی باشد. جنبش نوگرایی مدنی در کرمانشاه مانند سایر ایالات و ولایات ایران در آستانه مشروطیت، متأثر از آرا و افکار روشنگری و در آغاز دلبسته تأسیس مدارس جدید بود. مدارس جدید به مثابه سنگ‌بنای تجددطلبی و نوگرایی مدنی و کلید ورود به عصر جدید شمرده می‌شد. آموزش سنتی همچون روشی شایسته دنیای قدیم و جامعه رو به انحطاط و ناکارآمد قاجار، منسوخ پنداشته می‌شد زیرا دیرفهم، ناکارآمد و محدود دانسته می‌شد. مدارس جدید با شعار ساده‌آموزی، کارآمدی، عام‌الفهم بودن و دنیوی پا به عرصه عمومی گذاشت.





انتخاب و راهی مجلس شدند. هوگو گروته، جغرافیدان و قوم‌شناس آلمانی در مسافرت به ایران (۱۹۰۷م. / ۱۲۸۸ش.) و اقامت در کرمانشاه که مقارن تحولات عصر مشروطه بود اوضاع فکری و اجتماعی مردم کرمانشاه را چنین توصیف می‌نماید: «هنگام اقامتم در کرمانشاه مردم بیش از هر چیز دیگر دربارهٔ دو رویداد سیاسی صحبت می‌کردند؛ قیام شاهزاده سالارالدوله و سرنوشت مجلس که تازه تأسیس شده بود. در ماه مارس به خاطر انتخابات مجلس شورای ملی و انجمن ایالتی، اغتشاشات و ناآرامی‌هایی به وقوع پیوسته بود. دسته یا حزبی طرفدار اعیان و حزبی طرفدار مردم در مقابل هم صف‌آرایی کرده بودند. هیچ یک از این دو حزب، برنامهٔ سیاسی مشخصی نداشت. هر دو صرفاً به دنبال کسب قدرت و استفادهٔ شخصی بودند. عده‌ای شعار تهییج‌کنندهٔ "برای ملت" را بر سر زبان انداخته بودند. البته پشت این شعارها

امیدهای ملموس‌تر مانند "ان ارزان" و "کاهش مالیات" نهفته بود. (گروته، ص ۸۷)

مجلس اول مشروطه چندان دوام نیاورد تا دربارهٔ گسترش فرهنگ و معارف چاره‌ای بیاندیشد. «تنها اقدامی که مجلس اول در راه نشر افکار و پیشرفت معارف نمود، وضع قانون مطبوعات بود که در محرم ۱۳۲۶ق. به تصویب رسید و آزادی جراید را تأمین کرد. در نتیجه بر تعداد روزنامه‌ها در تهران و ولایات افزوده شد که بیشتر آنها به بیداری مردم و ترویج اشعار جدید با مضامین تازه و پیدایش سبک نوین در روزنامه‌نگاری کمک بزرگ کرد.» (صدیق، ص ۳۶۶)

به‌رحال صدور فرمان مشروطه در ۱۲۸۵ش. را می‌توان مطلع تاریخ نوین ایران دانست. اما چنانکه عیسی صدیق یادآوری می‌کند «آمار وزارت فرهنگ در سال ۱۳۲۹ق. یعنی سال پنجم مشروطه نشان می‌دهد که در آن سال در تهران ۱۲۳ دبستان و ۱۰۵۳۱ شاگرد وجود داشته و اگر فرض کنیم در ولایات نیز دو هزار نفر در مدارس جدید مشغول تحصیل بوده‌اند از صد نفر کودک بین ۷ تا ۱۳ سال فقط دو نفر به مدرسه می‌رفتند. با این وصف چگونه ممکن بود که حکومت ملی به وجود آید و قوام پیدا کند.» (صدیق، ص ۳۶۵)

## تأسیس مدارس جدید در کرمانشاه (۱۲۸۰-۱۲۹۳ ه.ش.)

موج نخست تأسیس مدارس جدید در کرمانشاه عصر مظفّری مابین سال‌های ۱۲۷۸ تا ۱۲۸۰ ش. اتفاق افتاد. این موج کوتاه و در بیم‌و امید شکل گرفت و در قامت چند مدرسه و کلاس درس به ثمر نشست و تابلوی مدرسه این نهاد «مبارکه» بر دیوار و فضایی که امید به فردای بهتر را نوید می‌داد کوبیده شد. کودکان و نوجوانانی فراهم آمدند با لباس‌های متحدالشکل. هرچند بیشتر آنان فرزندان اعیان و اشراف بودند ولی امید به همگانی و مجانی‌شدن آموزش و پرورش را به همراه آورد.

♦ **مدرسه محتشمیه** (تأسیس ۱۲۷۸ ش / ۱۳۱۷ ق.) به کوشش یک مهندس جوان و دانش‌آموخته دارالفنون به نام میرزا حسینعلی خان گوران در بخشی از ساختمان و ملک خانوادگی خود او، در محله شترگلو واقع در منطقه چنانی کرمانشاه تشکیل شد. (هندسی، مصاحبه) در همین زمان شیخ محمدسعید عرب که دانش‌آموخته مدارس خارجی (بغداد) بود به کرمانشاه آمد و با یاری چند تن از معاریف شهر مدرسه اسلامی را تأسیس نمود. (۱۲۷۸ ش / ۱۳۱۷ ق.) این مدارس نخستین نهادهای آموزشی به سبک جدید بود که پیش از جنبش مشروطه در کرمانشاه تأسیس شد؛ هرچند بیش از سه سال دوام نیاوردند و به سال ۱۲۸۰ ش / ۱۳۲۰ ق. تعطیل شدند.

♦ **مدرسه علمیه اسلامی** (تأسیس ۱۲۸۰ ش / ۱۳۲۰ ق.) سومین نهاد آموزشی بود که به کوشش شیخ محمدتقی شیرازی، مدرس دینی مدرسه عمادالدوله که شأن دینی و مقبولیت اجتماعی داشت به وجود آمد. این مدرسه در یک دوره بحرانی در ایام پر آشوب پس از مشروطه چراغ مدرسه و آموزش اطفال را زنده نگه داشت. صدور فرمان مشروطه (۱۲۸۵ ش.) در کرمانشاه مبدأ یک دوره طوفانی جنگ و غارتگری شد. دشمنان مشروطه از توان و تمکن مالی بیشتری برخوردار بودند و پایگاه عشیره‌ای بالاتر داشتند.

♦ **مدرسه رشديه:** اندکی پس از صدور فرمان مشروطه سه تن از معاریف و مشروطه‌خواهان کرمانشاه مدرسه‌ای تأسیس کرده و به احترام پایه‌گذار مدارس جدید در ایران بر آن نام «رشديه» نهادند. پایه‌گذاران مدرسه، میرزا حسین‌خان ناظمی، میرزا اسدالله محرم و سیداحمد میرعبدالباقی و همگی از مشروطه‌خواهان پرشور بودند. میرعبدالباقی از تجار خوشنام شهر بود که در ترویج حکومت قانون از بذل مال دریغ نمی‌کرد. ناظمی از خاندان روحانی «ناظم‌الشریعه» و در محضر شرعی به حل و فصل دعاوی مردم اشتغال داشت. (سمیعی، ص ۲۸۵) و میرزا محرم نیز پیشه‌ور بود و به شغل کفشدوزی اشتغال داشت. طبع شاعرانه و

معلومات و تحصیلات قدیمه داشت و به عنوان معلم در مدارس نوین تدریس می‌کرد. (شاکری، ص ۱۲۱)

تأسیس مدرسه رشديه در بحبوحه مشروطیت بود. در پی یورش نیروهای طرفدار استبداد مشروطه‌خواهان شکست خورده و «بازارهای کرمانشاه از دهنه میدان توپخانه تا چهارراه آخرت بیش از هزار و پانصد تا دو هزار دکان ثروت و سرمایه صاحبان آنان به غارت رفت». (سلطانی، ص ۱۵۰) پیداست که در پی این رویداد، نهال نوبنیاد مدرسه که نماد مشروطگی بود و مؤسسین آن از آزادیخواهان شهر بودند دوام نیاورد. به گزارش سالنامه معارف کرمانشاه «مدرسه به واسطه قتل عایدات و فقدان وسایل تعلیم بیش از ۵، ۶ ماه ادامه پیدا نکرد و منحل شد.» (سلطانی، ص ۹)

♦ **مدرسه حقوق:** «در ایام مبارزه مشروطه‌خواهان برای خلع محمدعلی‌شاه از سلطنت، انجمن حقوق کرمانشاه که متشکل از گروهی از روشنفکران محلی بود با تکیه بر پایگاه اجتماعی خود و نیز همدلی علی‌خان ظهیرالدوله حاکم وقت که علیرغم تعلیمات مرکز با مردم و آزادیخواهان به نیکی مدارا می‌نمود، به غارت‌زدگان کمک می‌کرد و در راه بسط فرهنگ و امور خیریه کوشش داشت» (سنجایی، ص ۱۷۱) مدرسه حقوق را به سال ۱۲۸۷ ش. / ۱۳۲۶ ق. پایه‌گذاری کردند. بنیانگذاران مدرسه حقوق طیفی از شاهزادگان و اعیان محلی تجددخواه بودند؛ مانند محمدباقر میرزا خسروی، ابوالقاسم میرزا (نجدالسلطان)، میرزا احمدخان معتضالدوله. مدرسه به مدیریت محمدباقر میرزا خسروی افتتاح شد. (علوی‌کیا و رستمی‌گوران، ص ۲۱) این مدرسه تا زمان شورش سالارالدوله دوام یافت ولی در پی حمله او به شهر، تعطیل شد.

♦ **مدرسه نصرت:** در ۱۲۸۹ ش. / ۱۳۲۸ ق. یک بازرگان اصفهانی مقیم کرمانشاه به نام حاج محمدتقی اصفهانی، مدرسه نصرت را تأسیس کرد. وی از املاک خود موقوفاتی برای آن تعیین کرد و محلی برای بنای مدرسه، مشخص و مخارج سی نفر از اطفال یتیم را تقبل نمود. مدیریت مدرسه را محمدمهدی معتمدالتجار بازرگان عرب مقیم کرمانشاه بر عهده گرفت. این مدرسه نیز دوام نیاورد و اختلاف محاسباتی بین مؤسس و مدیر، مدرسه را تعطیل نمود. «بعد از چندی ائاثیه و محل این مدرسه برای تأسیس یک شعبه مدرسه دولتی که موسوم به نصرت گردید به مرحوم معاضدالملک نماینده معارف تسلیم شد. در وقف‌نامه املاک و مستغلات خود یکی از شرایط وقف را دایر نگاهداشتن مدرسه قرار داده است.» (سلطانی، ص ۱۰)

پس از برگزاری انتخابات دوره دوم مجلس شورای ملی که مقارن حکومت اعظم الدوله در کرمانشاه بود در ذی‌قعدة ۱۳۲۷ ق. / ۱۲۸۸ ش. مجلس دوم مشروطه افتتاح شد. از کرمانشاه شاهزاده ابوالقاسم میرزا، از مؤسسين مدرسه حقوق؛ سیدحسین کزازی، روحانی تجددطلب و اسماعیل خان معاضدالملک، رهبر و سیاستمدار حزب اعتدالی که همگی از کوشندگان جنبش نوسازی نظام آموزشی بودند به نمایندگی مجلس انتخاب شدند. این می‌توانست طلایه نیکویی برای توسعه معارف و تأسیس مدارس جدید باشد؛ اما دشمنان مدارس جدید و مخالفان نوسازی نیز بی‌کار نبودند. براساس راپورت سلطانی که قدیمی‌ترین روایت مکتوب از تحولات فرهنگی کرمانشاه است «در روزهایی که مدارس اولیه تأسیس می‌شد یعنی در ایام قبل از انقلاب، عموم اهالی (حتی همان اشخاصی که بعدها مخالف معارف شدند) با مدارس مساعدت می‌کردند ولی همین که دوره انقلاب شروع شد معارف از یک طرف حامیان جدی و از طرفی مخالفان قوی پیدا کرد. ضدیت به مخالفین رسید که در صدد القاء شبهات به مقامات عالیه نیز برآمدند.» (سلطانی، ص ۱۱) در ۱۲۸۹ ش. مجلس دوم مشروطه قانون وزارت فرهنگ را تصویب نمود و سازمان‌ها و ادارات وابسته به آن و اجزا و وظایف آن را تعریف کرد. براساس این قانون شعب و ادارات مرکزی وزارت فرهنگ تعریف و شرح وظایف آن تقریر شد که به موجب آن اداره تعلیم عمومی بر آموزش مدارس ابتدایی و متوسطه نظارت و سرپرستی داشت. در این دوران دولت مشروطه در صدد تنظیم امور فرهنگی و اوضاع معارف ایالات برآمد. در ایام ریاست ابراهیم حکیمی بر وزارت فرهنگ نخستین قانون برای تأسیس نه باب دبستان به خرج دولت در مرکز تبریز و مشهد و شیراز و کرمان تصویب شد. به این ترتیب که هر کدام شش کلاس داشته باشد و نصف شاگردان از اشخاص بی‌بضاعت به رایگان تحصیل کند و نصف دیگر مبلغ جزیی که در قانون تصویب شده بود را بپردازد. (صدیق، ص ۳۶۷)

## تشکیلات، برنامه و کتب آموزشی مدارس کرمانشاه در سال ۱۲۹۳ ش. / ۱۳۳۳ ق.

مدارس کرمانشاه تا ۱۳۳۰ ق. / ۱۲۹۰ ش. در ساختار و سازمان اداری وزارت معارف نماینده‌ای نداشت و مأمور معارف آن میرزا احمد جواهری، براساس علایق خویش به فرهنگ شهر و پیشرفت مدارس، گاهی گزارش‌هایی از اوضاع معارف شهر تنظیم و به وزارت معارف ارسال می‌کرد. لذا اطلاعات تا این زمان چندان دقیق و مستند نیست و نمی‌توان درباره سازمان و تشکیلات اولیه اداره معارف کرمانشاه، برنامه‌های آموزشی، پرسنل اداری، کتب و درجه معلومات آموزگاران آن با اتکا به اسناد و مدارک دست‌اول سخن گفت. قدیمی‌ترین بسته اسنادی پیرامون معارف کرمانشاه برگه‌های احصائیه مدارس ایران است که در سازمان اسناد ملی ایران (به شماره ردیف ۲۹۷۲۶۸۴۲) نگهداری می‌شود. این ورقه‌های احصائیه در دایره تعلیمات

عمومی اداره معارف به تاریخ ۱۳۳۳ق./ ۱۲۹۳ش. تهیه و تنظیم شده است. بر پایه این گزارش تشکیلات و سازمان آموزشی مدارس کرمانشاه به این قرار بوده است:

♦ **مدرسه مبارکه دولتی نمره یک:** این مدرسه در فروردین ۱۳۳۳ق. با کوشش معاضدالملک، کارگزار و نماینده معارف کرمانشاه در محله سرتپه افتتاح شد. مدیریت آن را میرزا تقی خان جودت بر عهده داشت. وی بر حسب تقاضای معاضدالملک از تهران به کرمانشاه آمده بود. درباره مراتب معلومات و تصدیق تحصیلات او آمده است: «معلومات فارسی با قواعد مقدمات عربی، تاریخ، جغرافی مفصل عالم، حساب و هندسه، جبر و مقابله درجه دوم، فرانسه، فیزیک و شیمی، مختصری از گیاه‌شناسی، حیوان‌شناسی». او ۲۷ سال داشت و در آن ایام فرد دیگری با معلوماتی چون او در اداره معارف کرمانشاه وجود نداشت.

ناظم مدرسه میرزا حاج آقا مهدوی از روحانیون معارف‌خواه کرمانشاه بود. او در این ایام ۴۵ ساله و معلومات قدیمه داشت. شامل «عربیت، ادبیت، منطق، فقه و اصول و حساب». معلم‌های مدرسه ۷ نفر بودند با میانگین سنی ۴۲ سال. آقای شیخ حسن معلم کلاس اول با ۶۵ سال مسن‌ترین و مسیو ابراهیم معلم فرانسه جوان‌ترین بود. عمده معلومات آموزگاران علوم قدیمه با مختصر دانشی در تاریخ، جغرافیا، هندسه و جبر و مقابله بود. دخل مدرسه ۶۵۰ قران بود و مخارج آن شامل حقوق اجزا و اجاره‌خانه و مخارج متفرقه ۱۷۰۰ قران. مدرسه ۴ پایه آموزش و ۵ کلاس داشت. تعداد شاگردان آن ۱۴۵ نفر بود که از آنان ۱۱۳ تن شهریه می‌پرداختند و ۳۳ نفر مجانی تحصیل می‌کردند. (سند، ۱۲۹۳، ۲۹۷۲۶۸۴۲، ص ۱)

♦ **مدرسه علمیه اسلامی:** مدرسه علمیه اسلامی قدیمی‌ترین نهاد آموزشی نوین شهر بود که در ۱۳۲۰ق./ ۱۲۸۰ش. تأسیس شد و در تلاطم وقایع و رویدادهای دوران مشروطه و بحران استبداد صغیر به حیات خود ادامه می‌داد. مؤسس و مدیر مدرسه شیخ محمدتقی شیرازی بود. درباره مراتب علمی وی آمده است «دارای علوم ادبیه، فقه و اصول و حکمت‌الهی به تصدیق علمای کرمانشاه». او به این وقت ۵۳ سال داشت. نظامت مدرسه را شیخ محمدعلی نراقی که پیش از آن ناظم مدرسه علمیه نجف‌اشرف بود برعهده داشت. اما به هنگام تنظیم سند «چند روزی است بواسطه قلت عایدات و تأخیر حقوق استعفا داده» است. مدرسه چهار کلاس داشت. مدیر به واسطه قلت عایدات و وافی نبودن دخل مدرسه خود معلم کلاس‌های چهارم و پنجم نیز بود. مسیو عزرای کلیمی معلم فرانسه و اعتضادالکتاب معلم مشق بود. میرزا اسدالله محرم معلم ریاضی و شیخ محمدتقی، مدیر مدرسه عربی را آموزگار بود. میانگین سن معلمان مدرسه علمیه اسلامی ۳۶

سال و تحصیلات عمده آنان علوم قدیمه بود. (سند، ۱۲۹۳، ۲۹۷۲۶۸۴۲، ص ۲)

♦ **مدرسه محمدیه:** مدرسه محمدیه توسط میرزا نصرالله طهرانی (محمدیه) در محرم ۱۳۳۲/ قوس/ ۱۲۹۲ در حصار خلوت مسجد عمادالدوله تأسیس شد. میرزا نصرالله از اساتید هنر خوشنویسی و از شاگردان میرزا کاظم خوشنویس بود. او ۳۷ سال داشت و تحصیلات خود را در تهران گذارنده بود اما تصدیق نامه ای نداشت. مدرسه ۴ معلم و ۸۰ دانش آموز داشت که ۸ تن آنان مجانی تحصیل می کردند. معلمان مدرسه جوان و مدت خدمت آنان در معارف یک ماه تا یک سال بیش نبود. مدیر در باب دخل و خرج مدرسه می نویسد «دخل یک ساله ۳۵۰ تومان و حقوق یک ساله معلمین و فراش سوای مدیر بدبخت تقریباً ۴۰۰ تومان» (سند، ۱۲۹۳، ۲۹۷۲۶۸۴۲، ص ۳)

مدرسه محمدیه با کوشش و پشتکار میرزا نصرالله محمدیه سالیان دراز به فرهنگ و معارف شهر خدمت کرد.

## برنامه و کتب آموزشی

مدارس سازمان برنامه ثابتی نداشتند و معمولاً مدیر و مؤسس بر حسب ذوق و سلیقه خود معلمین را به خدمت می گرفت و اتاق (کلاسها) را دایر می کرد. کتب متداوله با اندک تفاوت به قرار زیر بود:

♦ **کلاس اول:** دستور دانش ۱، اصول دین از کتاب علی، علم الاشیا، دیکته و مشق ابتدایی.

♦ **کلاس دوم:** دستور دانش ۲، صد درس قرآن، علم الاشیا ۲، حساب (چهار عمل اصلی)، جغرافیای مهندس السلطان، فروع دین کتاب علی.

♦ **کلاس سوم:** قرآن و شرعیات، جامع احمدی، گلستان سعدی، تاریخ مقدماتی، جغرافیا، حساب، علم الاشیا ۳، سیاق و فرانسه.

♦ **کلاس چهارم:** قرآن با معنا، شرعیات جامع احمدی، گلستان با معنا و دستور فارسی ۳، حساب، جغرافیا، تاریخ، فرانسه، عربی (عمده الصراف)، علم الاشیا ۴. (ساکما، ۲۹۷۲۶۸۴۲، ص ۲)

## امتحانات

امتحانات آخر سال در حضور علما و اعظام و رجال شهر و اولیای اطفال انجام می شد و از هر کودک، منفرداً و شفاهاً سؤال می کردند تا هم از پیشرفت شاگردان آگاه شوند و هم مسلم گردد که آموزه های مدرسه مغایرت با شرع انور ندارد. قدیمی ترین گزارش درباره

امتحانات مدارس کرمانشاه در *خاطرات فرید*، ذیل وقایع ذیقعدۀ ۱۳۳۱ق. آمده است: «برحسب دعوت به مدرسهٔ نصرت رفتیم. جمعی حضور داشتند از جمله آقایان امیرافخم معاون حکومت و ... از شاگردان کلاس دوم تا ششم امتحان گرفتند، مثلاً خواندن سورهٔ حمد و قل هو الله و بعد جغرافی و حساب و علم‌الاشیا. آقای جلیل‌الملک از بعضی شاگردان سؤال کردند. بد جواب ندادند. ژیمناستیک هم بازی کردند.» (فرید، ص ۲۴۹)

مدارس جدید در این دوران پرتلاطم در فضایی آمیخته از بیم و امید به حیات خویش ادامه می‌داد. روایت فریدالملک از پاکوبی شاگردان مدارس کرمانشاه در جشن مشروطه که در پی آن تصویر تلخی از قحطی و ناامنی آورده می‌شود گویای این روزگار است: «شاگردان مدرسه‌ها هم آمدند. خطبه سرودند و دعا بر پابندگی مجلس شورای ملی و زنده‌باد اعلیحضرت پادشاه ایران فرمودند و رفتند ... این اوقات همه جای این ولایت مغشوش و ناامن است؛ حتی در میدان شهر آدم لخت می‌کنند. (فرید، ص ۳۳۲)

## منابع

۱. رینگر، ام. مونیکا. ۱۳۸۱، آموزش دین و گفت‌وگو در دوران قاجار، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، تهران، ققنوس.
۲. سازمان اسناد ملی ایران: برگه‌های احصائیه مدارس ایران، ۱۳۳۲ ق.، ردیف ۲۹۷۲۶۸۴۲.
۳. سلطانی، عبدالحسین خان. ۱۳۰۵، سالنامه معارف کرمانشاهان، کرمانشاه، مطبعه سعادت.
۴. سلطانی، محمدعلی. ۱۳۸۵، نهضت مشروطیت در کرمانشاه و کنگاور: یادداشت‌ها و خاطرات میرزا فرج‌الله خان معتمدی و امان‌الله ساری اصلان، تهران. سهبا.
۵. سمیعی کیوان، غلامرضا. ۱۳۶۳، زندگانی سردار کابلی، تهران، زوار.
۶. سنجابی، علی اکبر خان سردار مقتدر. ۱۳۸۰، ایل سنجابی و مجاهدت ملی ایران، تحریر و تحشیه کریم سنجابی، تهران، شیرازه.
۷. شاکری، باقر. ۱۳۳۷، تذکره مختصر شعری کرمانشاه و انجمن‌های ادبی و مطبوعات، کرمانشاه، سعادت.
۸. صدیق، عیسی. ۱۳۴۹، تاریخ فرهنگ ایران، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۹. علوی کیا، محمدعلی و رستمی گوران، محسن. ۱۳۸۴، تاریخ آموزش و پرورش نوین کرمانشاه، کرمانشاه. طاق بستان.
۱۰. غیرت کرمانشاهی عبدالکریم. ۱۳۳۸، کلیات آثار سید عبدالکریم غیرت، به کوشش محمد سعید غیرت، تهران، چاپخانه فردوسی.
۱۱. فریدالملک همدانی. ۱۳۵۳، خاطرات فرید، گردآوری مسعود فرید، تهران، زوار.
۱۲. لاهوتی، ابوالقاسم. ۱۳۵۸، کلیات اشعار لاهوتی، تهران. امیر کبیر.
۱۳. گفت‌وگوی محمدعلی علوی کیا با ایرج هندسی، فرزند مرحوم میرزا حسینعلی خان مهندس گوران (۱۳۸۲).